

## جعل جواز «پایان کار» برای برج سازان



گروه حوادث / دو عضو یک باند کلاهبرداری که به سفارش برخی برج سازان مجوز پایان کار پروژه‌های عمرانی و ساختمانی جعل می‌کردند از سوی پلیس امنیت عمومی پایتخت دستگیر شدند.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، طی روزهای گذشته گزارش‌های متعددی مبنی بر جعل برخی اسناد مربوط به بیمه تأمین اجتماعی و پایان کار ساختمانی شهرداری در چند نقطه از شهر تهران دریافت شد و موضوع برای بررسی در اختیار تیمی از مأموران مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی به‌طور ویژه قرار گرفت و مأموران پلیس با انجام تحقیقات موفق شدند نشانی اعضای این باند را در دو نقطه شهر تهران در حوالی میدان سیلان و محله پونک شناسایی کنند و پس از هماهنگی‌های قضایی و دریافت دستور لازم در چند عملیات جداگانه، هر ۲ متهم اصلی این باند دستگیر شدند و برای تحقیقات بیشتر به مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی تهران انتقال پیدا کردند.

سردار علی ذوالقدری رئیس پلیس امنیت عمومی پایتخت در این باره گفت: در بازرسی از مخفیگاه متهمان ۳۰ برگ اسناد دولتی جعلی مربوط به بیمه تأمین اجتماعی و جواز پایان کار شهرداری برای پروژه‌های عمرانی و ساختمانی و تجهیزات دفاعی کشف شد و در ادامه تحقیقات خود دریافتند که متهمان چند دفتر کار مهندسی برای جذب مشتری در نقاط مختلف شهر تهران افتتاح کرده‌اند که این دفاتر هم شناسایی و در بازرسی از آنجا نیز ۲۵سند جعلی دیگر کشف شد. متهمان در بازجویی‌های اولیه اظهار داشتند، نزدیک به یک سال است که به ازای دریافت مبالغی بین ۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان از مشتریان‌شان که اغلب سازندگان برخی برج‌های مسکونی و پروژه‌های عمرانی بودند، سندهای جعلی درست می‌کردند. متهمان برای سیر مراحل قضایی به دادسرا معرفی شدند و تلاش برای کشف جزئیات این پرونده ادامه دارد.

## سرقت ۵۰ میلیون تومانی کارمند داروخانه

گروه حوادث / کارمند داروخانه که با جلب اعتماد صاحب‌کارش بیش از ۵۰ میلیون تومان سرقت کرده بود، دستگیر شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده با شکایت مدیر یکی از داروخانه‌های محدوده یوسف آباد به مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ آغاز شد. این مرد مدعی شد مقدار قابل توجهی داروخانه اش گرانقیمت و مبالغی پول از داروخانه‌اش در مدت چند ماه سرقت شده است و او به یکی از کارکنانش ظنین است. بعد از این شکایت مأموران بررسی موضوع را در دستور کارشان قرار دادند و بعد از مدتی برای پلیس مسجل شد که سرقت‌ها توسط یکی از کارمندان داروخانه صورت گرفته است که طی هماهنگی با مقام قضایی متهم دستگیر و به کلانتری منتقل شد.

سرهنک حسین مافی رئیس کلانتری ۱۲۵ یوسف آباد در این باره گفت: متهم در بازجویی‌ها به سرقت بیش از ۵۰ میلیون تومان از داروخانه اعتراف کرد و گفت پس از جلب اعتماد صاحب داروخانه طی مدت یک سال گذشته در هر شیفت کاری مبالغ یا داروهایی را با شیوه و شگردهایی خاص از داروخانه خارج می‌کرده است.

این فرد پس از تشکیل پرونده برای انجام مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد.

editorial@irannewspaper.ir

تلفن گروه حوادث: ۰۲۱ – ۸۸۷۶۱۶۲۱

## دردسرهای جابه‌جا شدن دو جسد در بیمارستان

به بهشت زهرا بردیم، اما وقتی جسد وارد غسل‌خانه شد، با دیدن جسد متوجه شدیم متعلق به مادرمان نیست و بیمارستان اشتباه کرده و جسد زن دیگری را به اشتباه به جای جسد مادرم به ما تحویل داده است.

#### اجساد اشتباهی

با شکایت زن جوان، موضوع به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. با اعلام این خبر به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی تهران تحقیقات آغاز شد. تیم تحقیق بلافاصله راهی بیمارستان شده و در بررسی‌های خود دریافتند روزی که زن میانسال بر اثر ایست قلبی فوت کرده، زن میانسالی نیز به خاطر ابتلا به کرونا فوت کرده است. کادر سردخانه بیمارستان نیز به اشتباه جسد زن میانسال را به جای جنازه کرونایی به خانواده تحویل داده بودند. بدین ترتیب تیم تحقیق به سراغ خانواده زن میانسال رفتند.

### برخورد پلیس با سوء استفاده کنندگان از



هماهنگی با مقام قضایی عنوان کرده وبه «ایران» می‌گوید: هر چند اجرای چنین طرحی بسیار مفید خواهد بود اما باید بدانیم ضابطان قضایی بدون کسب مجوز و دستور قضایی امکان ورود به چنین موضوعی را ندارند و اگر هم مسئولی در اداره پلیس راجع به چنین مواردی صحبت می‌کند یا با دستور مقام قضایی بوده است یا فقط می‌تواند یک مانور تبلیغاتی باشد.

وی در جواب این پرسش که چرا تاکنون با وجود اجرای طرح‌های مختلف پلیس هنوز شاهد سوءاستفاده از کودکان کار در کشور هستیم و کارنامه قابل دفاعی در این باره نداریم، می‌گوید: بزرگ‌ترین مشکل در اجرای طرح‌ها کارشناسی نشدن آنهاست و اینکه بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد. بسیاری از طرح‌هایی که در این باره اجرا می‌شود از جنبه حقوقی با مشکلات متعددی روبه‌رو است و همین مسأله باعث شده که چندان موفق عمل نکنیم.

وی در ادامه در مورد سازمان‌های حمایت از کودکان کار تصریح می‌کند: سازمان بهزیستی حامی اصلی کودکان کار و متولی این امر است. اما دلایل مختلفی وجود دارد که در اغلب مواقع می‌بینیم آنها آن‌طور که باید از این کودکان حمایت

## محاكمه عاملان ربودن مرد بيلياردباز

می‌خواهی پست را به آلمان بفرستی و می‌دانیم همسرت در کدام باشگاه ورزشی کار می‌کند. وقتی این مرد اطلاعات زندگی خصوصی‌ام را بازگو کرد به اینکه مأمور باشم شک کردم. بعد هم مرا مجبور کردند دلارا را به آنها بدهم به همین خاطر با پسرم تماس گرفتم و از او خواستم دلارا را برابرم بیاورد. بعد هم آنها مرا رها کردند. وقتی مدتی از این موضوع گذشت یادم آمد وقتی که در ویلای انزلی بودیم مرد جوانی در اتاق کنار من نشسته بود که تمام مکالمات تلفنی من را با پسر و همسرم درباره فروش خودرو و سفر به آلمان و حتی مربیگری همسرم در باشگاه شنا شنیده بود

از آنجا که اطلاعاتشان از زندگی خصوصی من هم در همین حد بود احتمال دادم این آدم ربایی و سرقت کار او باشد. بدین ترتیب با شکایت به پلیس هر ۵ متهم دستگیر شدند. اما سه نفر از متهمان در بازجویی‌ها مدعی شدند که از این ماجرا خبر نداشته‌اند و بهرام - متهم اصلی - که کارمند اخراجی یکی از نهادها بوده آنها را قریب داده و مجبور به این کار کرده است. پس از این ماجرا شاکي پرونده درمورد این سه متهم رضایت داد اما خواهان مجازات طراح اصلی آدم ربایی و همدستش بهرام شد که نقشه را اجرا کرده بود.

بدین ترتیب قضات نیز با توجه به درخواست شاکي برای صدور حکم دو متهم اصلی پرونده وارد شور شدند. می‌دانیم خودروی گران قیمت‌ات را فروختی و

■ یکشنبه ۸ تیر ۱۳۹۹

■ سال بیست‌وششم

■ شماره ۷۳۷۹

**مردی با چشمان حادثه‌ساز – قسمت چهاردهم**

#### آن‌که را ز قتل مرد بارن ساز را می‌دانست

چند شبانه روز بعد از درهم شکستن قایق‌ها و غرق گروه ماهیگیران در آن شب طوفانی، دریا آرام گرفت و امواج، جنازه‌های پنج ماهیگیر را به ساحل کشاند اما از اجساد دو نفر اثری به‌دست نیامد. در آن شب طوفانی از جمع صیادان پنج نفر توانسته بودند با آویختن خود به تکه‌پاره‌های قایق‌ها زنده به ساحل برسند که پهلوان حیدر از این جمع نجات یافتگان بود.

حیدر با پیراهن سیاه به نشانه سوگ صیادان در قهوه‌خانه پای درخت مراد در میدان بزرگ آبادی، تنها در سوگ صیادان نشست‌ه بود و به احترامش، مشتریان خاموش مانده بودند و از داد و قالی که هر روز هنگام عصر با حضور مردان در این قهوه‌خانه برپا می‌شد، خبری نبود. پیرمرد درویش مسلکی که در کنجی نشسته بود، گفت: پهلوان از من پیرمرد بشنو، نصیحتی دارم. پیرمرد موهای سفید یکدستی داشت که روی شانه‌های فروافتاده‌اش افشان شده بود و سیبل پرپشت و پهنی که لب بالایی‌اش را پوشانده بود و لب‌اش بر اثر دود سیگار به زردی می‌زد.

پهلوان به علامت احترام بازوهای ورزشیده‌اش را چلیپا وار به روی سینه فراخش خواباند و به توضیح گفت:

– می‌شوم به دیده منت پدر

درویش سیگاری به چوب آلبالو فروبرد. با دستی لرزان آن را آتش زد، پک محکمی زد که دود غلیظی میان سیبل آویخته‌اش پیچید؛ به نرمی گفت:

– پهلوان می‌دانم که یار و یاور مردم آبادی هستی. هرکس ظلمی از دیگری ببیند از تو یاری می‌طلبد. اما متعجبم چرا ظلمی که از طرف آقابزرگ به صیادان حتی به تو روا شده، توجهی نداری؟ این حاکم بی‌انصاف مرادآباد، صید ماهی را در انحصار خودش گرفته و صیادان باید با قایق خودشان، به دریا بزنند، هر خطری را به جان بخرند. آنچه را که صید می‌کنند تحویل حاکم دولت نشانده بدهند و خودشان سهم ناچیزی می‌گیرند که شکم اهل و عیال‌شان را سیر نمی‌کند. اگر هم روزی یکی‌شان مریض بشود، پول درمانش را ندارد. تو پهلوان چند جریب زمین برای کشاورزی داری که مزارع زندگی تو و صارت را که خدا سلامت دارش تأمین کند. اما اهل و عیال صیادان دیگر چه کنند حتی یکی از قداربندهای سیاهپوش ظالمش را فرستاده که به اهل و عیال صیادان غرق شده سرسلامتی بگوید؟ با پیغام داده خسارت قایق‌های شکسته‌شان را می‌دهد؟ من عمرم را کرده‌ام پهلوان از مردن هم نمی‌ترسم شاید یکی از غلامان سیاهپوش قداربند یک شب تو ی تاریکی کوچه‌ای، قداره پر کمرشون را تو پهلوم فرو کنند و جنازه‌ام خوراک سگ‌های جنگل بشه، آب از آب هم تکم نخوره.»

درویش پیر با انگشتان لرزان‌ش، ته‌سیگار را تو ی جاسیگاری فشرد، آهی کشید و ادامه داد:

– پهلوان حیدر فقط این صیادها نیستند که تحت ظلم و جور آقابزرگ و سیاهپوشان ققم به‌دست‌اش هستند. بلکه همه مردم آبادی از دست‌شان به فغان آمده‌اند. هرکس لب به فغان و اعتراض باز کند یا در میدان بزرگ به شلاقش می‌بندند یا روانه زندان و سیاهجال‌اش می‌کنند. این سگ‌های هار هم باعث وحشت مردم شده آقابزرگ هشدار میده سگ‌های جنگلی به‌خاطر گناهان مأمور عذاب و مجازات‌مان شده‌اند. ما این عذاب را شب و روز تحمل می‌کنیم پهلوان. شب‌ها از غروب جرأت نداریم از خانه پا بیرون بذاریم و روزها دو نفر که در کوچه‌ای با هم روبه‌رو می‌شوند از هم وحشت دارند که هر کدام فکر می‌کند دیگری زخم دندان‌های یک سگ هار را به تن دارد و شب و روز از سیاهپوشان قداربند می‌ترسند که مبادا به بهانه‌ای دستگیرشان کنند...

مرد دیگری گفت: پهلوان در آبادی خیلی‌ها از حرص و طمع آقابزرگ داستان‌ها تعریف می‌کنند. شب‌ها قاچاقچیان با قایق‌هایی به این جزیره می‌آیند و به طمع کشف دفینه قبرستان قدیمی را حفاری می‌کنند و هرچه گیرشان می‌آید، با حاکم تقسیم میشه. درویش سالتخورده گفت: اما تو پهلوان نباید ظلم و بیعدالت آقابزرگ این حاکم بد نهاد را تاب بباری. این مردم مظلوم به تو امید بسته‌اند. پهلوان که در سکوت سرشار از نواضع و خاکسارانه به شکوه‌های حاضران و نصایح درویش پیر دل سپرده بود، سر به روی سینه پهن و ورزشیده‌اش خواباند و گفت:

–اما من که باشم که شانه‌هایم به تنهایی زیر آوار سنگین این امید و خواسته شما قرار بگیرد. اولا مردم خود نباید قبول ظلم و ستم کنند. خودشان باید قدمی در دفع ظلم و ستم حاکم بردارند. من برای شان صد قدم پیش می‌رووم...

مردی که صورتی تکیده و استخوانی داشت، تنها و دور از جمع هر دو آرنج را روی میز خوابانده، چانه درازش را میان کف دست‌هایش می‌فشرد، انگار بی فرصتی بود تا ماجرای مهمی را با پهلوان در میان بگذارد. مردی که را ز قتل مرد «باران ساز» را می‌دانست... **ادامه دارد**

**آگهی مناقصه عمومی**

**دومرحله‌ای نوبت اول**

**۱ نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گر:** شرکت فرادست انرژی فلات، به نشانی کارگاه خوزستان (جاده اهواز- خرمشهر، قبل از پادگان حمید - به سمت منطقه جفیر - روبه‌روی روستای جفیر ثانی- کارخانه گاز و گاز مایع غرب کارون-شرکت فرادست انرژی فلات کدپستی۶۴۴۵۱۶۵۱۹۹)

**موضوع: اجرای عملیات باقیمانده سیویل و فونداسیون‌های جدید سایت پروژه کارخانه گاز و گاز مایع NGL3200**

**۱ زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد:**

**۲-۱ مناقضیان می‌توانند حداکثر به مدت ۵ روزکاری از تاریخ نشر آگهی نوبت دوم با هماهنگی قبلی از طریق شماره تلفن ۰۳۶۷۵۱۷۴۰-۰۹۱ اسناد مناقصه را دریافت نمایند.**

**۲-۲ هزینه خرید اسناد معادل ۰۰۰ ۰۰۰ ۱٫۰۰۰ ریال است که می‌بایست به شماره حساب ۳۴۵۰۵۴۳۷۷ نزد بانک تجارت به‌نام شرکت فرادست انرژی فلات واریز و رسید بانکی واریز وجه تحویل دستگاه مناقصه‌گر از گردد.**

**۱ محل تحویل اسناد شرکت کنندگان در مناقصه: شرکت‌کنندگان می‌توانند شرکت در مناقصه خود را در وقت مقرر به مدیریت حقوقی و قراردادهای کارگاه (جفیر) تحویل نمایند.**

**۱ ارائه تضامین جهت شرکت در مناقصه الزامی است.**

**۵ سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.**

**۶ هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.**